

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳ شماره ۴۰. بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۲۱۲-۱۹۵)

معرفی و تحلیل محتوایی و سبکی نسخه خطی

"سراج الهدایه" حسینی بخاری و متن "التنزیل" عزیزالدین نسفی

۱- ابوالقاسم عاشوری ۲- فاطمه کوپا ۳- حکیمه دبیران ۴- حسین یزدانی

چکیده

متن حاضر معرفی و بررسی نسخه خطی «التنزیل» عزیزالدین نسفی از عرفای قرن هفتم است که در کتابخانه مرعشی نجفی به عنوان «سراج الهدایه» جلال الدین حسین حسینی بخاری ثبت شده است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و متن اثر، ضمن معرفی جلال الدین بخاری و نسفی و شرح زندگی و آثار آنها به بررسی ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی این اثر در جایگاه نثری عالمانه و عارفانه از قرن نهم هجری پرداخته می‌شود. معرفت جسم و روح، معرفت افلاک، معرفت معجزه و کرامت، معرفت سلوک، معرفت وحی و الهام، معرفت موت و حیات، و ... بعضی از مطالب این نسخه در مجموعه‌ای با حدود بیست اصل است که در ۸۹۴ ق. نوشته شده و نام کاتب در آن نیامده است. معرفی و تحلیل این نسخه به دلیل دربرداشتن اصطلاحات فراوان عرفانی و فلسفی و تفسیر برخی آیات قرآن و کاربرد سخنان برخی مشایخ تصوف ضروری است. در این مقاله به این پرسش که آیا این نسخه، التنزیل نسفی است یا خیر؟ پاسخ داده شده است.

کلیدواژه‌ها: التنزیل، عزیزالدین نسفی، سراج الهدایه، جلال الدین حسین حسینی بخاری،

نسخه خطی.

۱- دانشجوی دکتری مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

Email: f- koupa8982@pnu.ac.ir

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۹

۱- مقدمه

جلال‌الدین همایی در مقدمه مصباح الهدایه می‌گوید: «احیای هر اثر از آثار علمی و ادبی قدیم در حکم یافتن حلقه مفقوده‌ای است که شیرازه ادبیات و سلسله حیات معنوی و فرهنگی ما را به هم پیوند می‌دهد؛ هم راه تحقیق و تتبع در آثار فرهنگی و به دست آوردن مسیر تحولات ادبی و مدنی و فحص و بحث در لغت و دستور و معانی بیان را هموار می‌سازد و هم طریق ابتکار و میزان و مقیاس برای تشخیص و تمیز دادن ابتکار از تکرار را به دست می‌دهد.» (کاشانی، ۱۳۷۶: ۷ و ۸) یکی از این آثار نسخه خطی «التنزیل» نسفی از عرفای قرن هفتم است که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نجفی با توجه به متن الحاقی در آغاز این نسخه دست‌نویس به نام «سراج الهدایه» سیدجلال‌الدین حسین حسینی بخاری ثبت شده است. در این مقاله سعی شده ضمن معرفی کوتاه سیدجلال‌الدین حسین حسینی بخاری و عزیزالدین نسفی ویژگی‌های محتوایی و ادبی این نسخه در جایگاه اثری مهم از قرن نهم هجری بیان شود.

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

«التنزیل» عزیزالدین نسفی، اثری به سبک نثر مرسل است. این کتاب به دلیل نثر روان آن و همچنین دربرداشتن اصطلاحات عرفانی مانند کشف، کرامت و معجزه، تجلی، اتحاد، شریعت، طریقت و حقیقت، انسان کامل، سماع، وارد، رضا و تسلیم و ...، استفاده زیبای نویسنده از برخی آیات و روایات، تفسیر برخی آیات، کاربرد تمثیل و حتی نقل داستان فیل و کوران در آن، اثر بسیار باارزشی است که با توجه به جایگاه مؤلف آن در قرن هفتم، معرفی آن برای کمک به حفظ تمدن غنی ایرانی-اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. کاتب این نسخه که در قرن نهم نگاشته شده است هنوز مشخص نیست. در پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستیم:

۱- چرا این نسخه به نام سراج الهدایه ثبت شده است؟

۲- عزیزالدین نسفی کیست و چه آثاری داشته است؟

۳- آیا این نسخه، التنزیل نسفی است؟

۴- ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی التنزیل چیست؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

پیش از این به اهتمام برخی دانشمندان، پژوهشگران و محققان ایرانی و غیرایرانی بسیاری

از آثار بزرگان ایران که سرمایه‌های مادی و معنوی ما هستند، معرفی و از نظر محتوایی و سبکی تحلیل شده اند تا با این کار زوایای اندیشه، سبک و زبان پیشینیان روشن‌تر شود و افراد امروز نیز از دستاوردهای ادبی، معرفتی و ... آنها بهره مند شوند. در این مقاله نیز در ادامه کار آنها یکی از این تراش علمی، معرفی و بررسی خواهد شد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کمک‌گرفتن از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر اصل اثر که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره) قرار دارد، نخست به معرفی ویژگی‌های شخصیتی عزیزالدین نسفی و آثار گوناگون وی پرداخته شده است. پس از بیان مشخصات ظاهری نسخه و عنوان مطالب مندرج در متن آن که حدود بیست اصل است، به تعداد فصل‌های هر اصل اشاره شده است. در ادامه نیز ویژگی‌های سبکی نسخه از دیدگاه‌های فکری، ادبی و زبانی با شاهد مثال‌های برگرفته از اثر توضیح داده شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در معرفی این اثر جز نوشته کوتاهی که سید محمود مرعشی نجفی، رئیس کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم درباره آن نوشته، مطلب دیگری در دست نیست. وی با توجه به مقدمه کوتاه نسخه، در معرفی آن چنین نگاشته است: «کتاب «سراج الهدایه» در عرفان، به فارسی از حسین بن احمد بن حسین حسینی بخاری، نسخه‌ای نفیس و کهن و نایاب و ارزشمند؛ مورخ نیمه صفر سال ۸۹۴ ه.». (التنزیل، ۸۹۴ق: برگه ۱)؛ اما این اثر نسخه‌ای از التنزیل عزیزالدین نسفی است و برای آشنایی با او می‌توان به برخی آثار چاپ شده وی، مانند "الانسان الکامل" به تصحیح ماریژان موله، "کشف الحقایق" به تصحیح احمد مهدوی دامغانی (۱۳۴۴) و سیدعلی اصغر میرباقری فرد (۱۳۹۱)، "بیان التنزیل" به تصحیح سیدعلی اصغر میرباقری فرد (۱۳۷۹ و ۱۳۹۱) و آثاری که درباره او نگاشته شده است، مانند "عزیز نسفی" اثر لوید ریجون (۱۳۷۸) مراجعه کرد. این نسخه در جلد ۴۱ فهرست نسخ خطی این کتابخانه معرفی شده است.

۲- معرفی سیدجلال‌الدین بخاری، عزیزالدین نسفی و نسخه

۲-۱- معرفی سیدجلال‌الدین بخاری

صاحب «بحر زخار» گفته است که او در شب برات شعبان سال ۷۰۷ق به دنیا آمده و در دهم ذی

الحجه ۷۸۵ ق در دهلی وفات یافته و در خطه اُچ به خاک سپرده شده (اشرف، ۱۳۹۲: ۳۴۷) و صاحب «نزهه الخواطر» او را حنفی مذهب دانسته است (الحسینی، ۱۴۲۰ ق: ۱۵۳)؛ نویسنده «جواهرالاولیاء»، از نوادگان سیدجلال‌الدین حسین حسینی بخاری هم گفته است که قبر او در اُچه ملتان است. (بخاری، ۱۳۵۵: ۴۵) البته او به لقب جهانگشت هم معروف بود و ظهورالدین احمد در همین باره می‌گوید که چون او در اطراف و اکناف دنیا سفر می‌کرد، به این لقب معروف شد. (ظهورالدین احمد، ۱۳۸۵: ۲۵۱) همچنین او از معاصران شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری برشمرده شده که شیخ منیری با او بسیار صمیمی بوده و سیدجلال‌الدین نیز به او علاقه قلبی داشته است. (سیدمطیع الامام، ۱۳۷۲: ۱۴۶-۱۴۷) آثار باقی‌مانده از وی را چنین برشمرده اند: ۱- خلاصه‌الالفاظ جامع العلوم (ملفوظات)؛ ۲- خزانه الجلالی (ملفوظات)؛ ۳- راحت الجلالی (ملفوظات)؛ ۴- سراج‌الهدایه (ملفوظات)؛ ۵- جواهرالجلالی (ملفوظات)؛ ۶- مظهر الجلالی (ملفوظات)؛ ۷- مناقب مخدوم جهانیان (ملفوظات)؛ ۸- مقررنامه (مکتوبات و هدایات)؛ ۹- اربعین صوفیه؛ ۱۰- رساله کنز الاربعین؛ ۱۱- ترجمه رساله مکیه، تألیف شیخ قطب الدین دمشقی. (حسینی بخاری، ۱۳۷۱: ۱۲) لازم به ذکر است که قاضی سجاد حسین دهلوی کتاب سراج‌الهدایه او را مشتمل بر ۹ باب با استفاده از چند نسخه، تصحیح و در سال ۱۹۸۳م منتشر ساخته است. (رک: حسینی بخاری، ۱۹۸۳)

۲-۲- معرفی عزیزالدین نسفی

او در اوائل قرن هفتم هجری در شهر نسف به دنیا آمده است و نسف یا نخشب که خود تصریح می‌کند، زادگاه اوست، در ایالت سغد قرار داشت. وی در جوانی به بخارا رفت و به تکمیل معلومات خویش پرداخت و ظاهراً در این شهر حکمت و فلسفه آموخت و در علم طب تبحر کامل یافت. (نسفی، ۱۳۹۱: ۱)

۱-۲-۲- عصر نسفی

در عصر نسفی دومشرب عمده عرفانی رایج بود؛ یکی، اندیشه و تفکر عرفانی نجم‌الدین احمد بن محمد بن عبدالله خیوفی معروف به نجم‌الدین کبری یا شیخ کبری و شیخ ولی‌تراش که پیروان زیادی از خراسان و ماوراءالنهر تا شام و آسیای صغیر داشت؛ دیگری، تفکری بود که در غرب بلاد اسلامی ظهور کرد و با محیی‌الدین بن عربی به کمال رسید. (همان: ۷) همچنین عزیزالدین نسفی در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و ماوراءالنهر می‌زیست؛ به

طوری که نوشته‌اند، نسفی همه کسانش را در فتنه‌های مغول از دست داد و به همین دلیل از بخارا راهی خراسان شد. (صفا، ۱۳۵۲، ۳: ۱۲۲۴)

۲-۲-۲- مذهب نسفی

سکنه قسمت‌های شرقی خلافت اسلامی و پادشاهی ایران عموماً و ماوراء النهر و سغد و خوارزم خصوصاً پیرو مذهب ابوحنیفه بودند و گرچه هر قسمتی تابع فرقه خاصی هم از این مذهب بودند؛ اما همه در حنفی مذهب بودن، یکسان بودند و ماوراء النهر و خوارزم یکی از مراکز و کانون‌های مهم مذهب حنفی و از مجامع عمده فقه و کلام این مذهب به شمار می‌رفت. نسفی نیز از مردم همین دیار بوده و در عصری می‌زیسته که مذهب امام اعظم در اوج قدرت و شوکت خود بوده و سلاطین مغول نیز به هر صورت به همین مذهب گردن نهاده بودند؛ بدین لحاظ احتمالاً او نیز حنفی مذهب بوده است. (نسفی، ۱۳۵۹: ص ۲۹) هرمان لندلت نیز می‌گوید: او اصولاً حنفی اما خیلی نزدیک به افکار شیعه و به خصوص اسماعیلی و اثنی عشریه بوده است. (لندن، ۱۳۸۲: ۲۲)

۲-۲-۳- مقام علمی و عرفانی نسفی

آثار گوناگون و پرمایه نسفی نشان می‌دهد که او بر علوم بسیاری مسلط بوده است و بر علوم رایج و رسمی روزگار خود مانند فقه، کلام، فلسفه، طب، تفسیر و حدیث احاطه داشته و با آراء گروه‌ها و مذاهب مختلف در علوم شرعی و حکمی و عرفانی آشنا بوده است. همچنین عقاید اهل شریعت، اهل حکمت و اهل وحدت سه رکن بیشتر مباحث اوست. (نسفی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴)

۲-۲-۴- نثر نسفی

سبک نگارش نسفی فارسی ساده و بی‌پیرایه و بدون تکلف و تصنع است و او با توجه به دلالت آثارش و آشنایی او با علوم شرعی و فلسفه و حکمت و عرفان و حتی پزشکی، از عربی و یا فارسی نویسی مصنوع پرهیز کرده است. (نسفی، ۱۳۸۱: ۷) همچنین نخستین جنبه مهم آثار نسفی سبک فارسی ساده، روشن و خالی از پرگوئی اوست. (ریجون، ۱۳۹۵: ۲۹)

۲-۲-۵- آثار نسفی

آثار نسفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- تألیفات مستقل: کشف الحقایق، التنزیل، بیان التنزیل، مبدأ و معاد، زبده الحقایق، مقصد القصی، مجموعه رسائل ۲- رساله‌های منفرد: حدود

چهل و یک رساله. (رئسی، ۱۳۹۲: ۱) ریجون نیز از آثار شناخته شده نسفی کتاب‌های تنزیل، کشف الحقایق، بیان التنزیل، مقصد اقصی، الانسان الكامل، منازل السائرین، زبده الحقایق، مبدأ و معاد، کشف الصراط (ریجون، ۱۳۹۵: ۳۳۳-۳۴۳) و میرباقری فرد نیز در مقدمه بیان التنزیل تعدادی از آثار او را که به صورت نسخه خطی، باقی مانده و هنوز منتشر نشده، برشمرده است. (رک: نسفی، ۱۳۹۱: ۲۰-۳۱)

۶-۲-۲- وفات نسفی

تاریخ درگذشت نسفی معلوم نیست اما ماریژان موله به یکی از کتاب‌های خطی نسفی اشاره کرده که تاریخ ۶۹۰ ق را دارد. با وجود این، ممکن است که وفات وی زمانی در فاصله ۶۸۰ و ۶۹۹ ق رخ داده باشد. (ریجون، ۱۳۹۵: ۳۷) همچنین از قرائن برمی آید که نسفی اواخر عمر خود را در ابرقو سپری کرده و در حدود صدسالگی یعنی در سال‌های آخر قرن هفتم هجری دار فانی را وداع گفته است. به احتمال قوی عزیز نسفی تا سال ۶۹۱ ق در ابرقو در قید حیات بوده زیرا در رساله‌ای با عنوان معرفت انسان آمده که این رساله در رمضان ۶۹۱ ق در کوه ابرقو نوشته شده است (نسفی، ۱۳۹۱: ۶).

۷-۲-۲- معرفی نسخه

مشخصات این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی چنین آمده است: سراج الهدایه، مؤلف: حسین بن احمد بن حسین الحسینی بخاری، موضوع: عرفان، تعداد برگ: ۷۵ برگ؛ اندازه جلد: ۱۳×۹، تاریخ عکس برداری: ۹۲/۳/۲۱ شماره: ۱۶۱۰۶، نوع خط: نستعلیق؛ تاریخ کتابت: ۸۹۴ ق. (صالحی، ۱۳۹۱، ج ۴۱: ۱۶-۱۷) در متن کتاب از مرکب سیاه و در عنوان‌های فصل‌ها و اصل‌ها و به ویژه کاربرد عبارت «یا عزیز» از شنگرف استفاده شده و هر صفحه بالغ بر ۱۵ سطر و هر سطر شامل حدود سیزده تا بیست واژه است. همچنین، در تعدادی از صفحات دارای حاشیه، برخی احادیث، آیات و اشعار به خط امروزی دیده می‌شود و معلوم است که خواننده‌ای به صورت شرح مطالب بر آن افزوده است. دو برگ نخستین نسخه نویافته، به قلم دیگری است و مطالب صفحه اول آن نیز ناقص است و برخی مطالب آن جاافتاده و نام مؤلف در آن نیامده است. این نسخه در بیست اصل گردآوری شده که البته دو اصل در آن وجود ندارد و نام اصل ششم، فصل ششم و نام اصل هفتم باب هفتم آمده است. نویسنده در آغاز نسخه چنین آورده است: "اما بعد، چنین گوید، بنده حسین بن احمد بن حسین الحسینی البخاری که به وقت

بازگشتن از مهم تهته از سمت حضرت دارالملک دهلی، حرسها الله عن الآفات، در ماه مبارک رجب سنه اثنا و سبعین و سبعمائه روز پنجشنبه این بنده را سعادت قدم‌بوسی بفضل الله تعالی به وقت نماز پیشین حاصل شد؛ انواع شفقت و کرم ارزانی فرموده، تا مدت ده ماه کامل این فقیر در نظر مبارک بود و به انواع فواید دارین مشرف می‌شد. روزی به خاطر گذشت که از لفظ دربار گوهرنثار کتابی جمع کنم؛ بنده التماس می‌کرد تا نام کتاب انتخاب فرمایند، به سراج الهدایه موسوم فرموده، بر بیست اصل و ابواب و فصول تمام کردم".

۸-۲-۲- مباحث مطرح شده در التنزیل نسفی

در جلد ۴۱ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به نام اصلی اصل‌ها و باب‌ها اشاره شده که ما تعداد فصول هر اصل را به آنها افزوده، به صورت زیر نقل کرده‌ایم:

۱- اصل اول: در معرفت جسم و روح، در چهار فصل؛ ۲- اصل دوم: در معرفت عالم، در ده فصل؛ ۳- اصل سوم: در معرفت فلک، در یک فصل؛ البته ظاهراً انتهای مطالب این فصل افتاده؛ زیرا مطالب ناقص است؛ ۴- اصل چهارم: که متأسفانه موجود نیست؛ ۵- اصل پنجم: در معرفت نبی و ولی، در دو فصل؛ ۶- اصل ششم: در معرفت صاحب شریعت و حقیقت، در دو فصل؛ ۷- باب هفتم، در معرفت معجزه و کرامات، در سه فصل؛ ۸- اصل هشتم: در معرفت وحی و الهام، در دو فصل؛ ۹- اصل نهم: در معرفت موت و حیات، در یک فصل؛ ۱۰- اصل دهم: در معرفت معاد، در چهار فصل؛ ۱۱- اصل یازدهم: در معرفت شریعت و طریقت و حقیقت ایمان و اسلام و احسان؛ ۱۲- اصل دوازدهم: در معرفت عبادات و شرایط و ارکان آن؛ ۱۳- اصل سیزدهم: در معرفت معاملات و شرایط و ارکان آن؛ ۱۴- اصل چهاردهم: در معرفت سلوک و شرایط آن، در چهار فصل؛ ۱۵- اصل پانزدهم: در معرفت خدمت و عزلت و صحبت، در دو فصل؛ ۱۶- اصل شانزدهم: در معرفت حرّ و بالغ؛ ۱۷- اصل هفدهم: در معرفت تقوا؛ ۱۸- اصل هجدهم: در بیان صبر و شکر و رضا، در یک فصل؛ ۱۹- اصل نوزدهم: که متأسفانه موجود نیست؛ ۲۰- اصل بیستم: در بیان آنکه مقصود از این نوزده اصل چه بود؛ - خاتم الکتاب. (همان: ۱۶-۱۸)

۹-۲-۲- آیا این نسخه، التنزیل نسفی است؟

ریجون که نسخه التنزیل متعلق به دانشگاه منچستر را در اختیار داشته و از آن در کتاب خود، "عزیز نسفی" سود برده است، درباره التنزیل چنین گفته است: «این کتاب، شامل بیست

فصل، احتمالاً یکی از نخستین آثار نسفی بوده، چون خود می‌گوید که شش فصل اول این کتاب در نسف تألیف شد. چهار فصل بعدی در بخارا نوشته شد و این تاریخ باید پیش از ویرانی ناشی از قتل عام اباقا در ۶۶۹ هجری بوده باشد. بقیه فصول در بحرآباد بر سر تربت سعدالدین حمویه تنظیم گردید. فصل پنجم یکی از جالب‌ترین فصل‌هاست؛ زیرا به تفاوت‌های میان انبیاء و اولیاء توجه دارد. (ریجون، ۱۳۹۵: ۲۷۷-۲۷۸) هرمان لندلت نیز به ۲۰ اصل داشتن این کتاب اشاره کرده است. (لندلت ۱۳۸۲: ۲۲) البته او در جای دیگری درباره کتاب «التنزیل» گفته است که نسفی ده اصل قسمت اول را در نسف و بخارا نوشته، در حالی که قسمت دوم را در بحرآباد خراسان نگاشته است و اصل‌های دهگانه اول آن با ده اصل کتاب بیان التنزیل هم از نظر موضوعات و هم از نظر ترتیب آنها شباهتی کامل دارد و اصل‌های ۱۲ و ۱۳ در نسخه در دسترس او وجود ندارد و نسفی گفته است که بعد از من برادر او آنها را خواهد نوشت. (نسفی، ۱۳۹۱: ۴۴). با بررسی متن این نسخه می‌توان مهم‌ترین نکات را برای اثبات اینکه نسخه همان کتاب التنزیل نسفی است، چنین برشمرد:

۱- این کتاب مشتمل بر بیست اصل است؛ این مسأله در نسخه نیز کاملاً وجود دارد؛ گرچه اصل‌های چهارم و نوزدهم دیده نمی‌شود؛ اصول مندرج در این نسخه با نظر لندلت توافق دارد. ۲- نگارش ده اصل آن در بحرآباد به پایان رسیده است؛ در نسخه نیز چنین آمده است: «این ده اصل در خراسان در ولایت گویان در بحرآباد تمام شد». (نسفی، ۸۹۴: برگه ۷۳) ۳- نویسنده در فصل پنجم به تفاوت‌های میان انبیاء و اولیاء توجه دارد؛ عنوان نسخه چنین است: اصل پنجم: در معرفت نبی و ولی. (همان: برگه ۲۸) ۴- عنوان فصل پانزدهم «در معرفت خدمت، عزلت و محبت» است؛ در نسخه به جای محبت، کلمه صحبت آمده است. (همان: برگه ۶۰) ۵- نسفی فصل‌های یکم تا ششم را در شهر نسف تألیف کرده است؛ در نسخه چنین آمده است: «این شش اصل در ولایت ماوراءالنهر در شهر نسف که موضع ولادت این ضعیف است، تمام شد». (همان: برگه ۳۴) ۶- اصل‌های ۱۲ و ۱۳ را بعد از وی برادر او خواهد نوشت؛ در نسخه چنین آمده است: «این دو اصل را بعد از ما برادر ما نویسد؛ سبب نوشتن و نانوشتن آن است که علم من علم وی است و اخلاق من اخلاق وی است و محل من محل وی است؛ اما زمان من زمان وی نیست و مکان من مکان وی نیست و اخوان من اخوان وی نیستند و اگر چه زمان و مکان و اخوان من نیستند اما فی الحقیقه همان من خواهم بود که نویسم». (همان، برگه ۵۵) ۷- با مقایسه عناوین فصول دهگانه

بخش اول کتاب تنزیل اشاره شده در بالا با عناوین آمده در معرفی نسخه خطی دیده می‌شود که فصل‌های دوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم کاملاً با این فصول بیان شده مطابقت دارند. ۸- شباهت‌های نوشتاری و کاربرد عبارت «یا عزیز» که در دیگر آثار نسفی نیز به همین صورت یا به صورت «ای عزیز» دیده می‌شود و همچنین کاربرد برخی آیات و احادیث و سخنان مشایخ صوفیه نیز که در دیگر آثار نسفی همچون کشف الحقایق، انسان الکامل، بیان التنزیل و زبده الحقایق دیده می‌شود، مؤید این مطلب است.

۱۰-۲-۲- ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی اثر

توفیق سبحانی می‌گوید، متن ادبیات کهن، بیشتر از آثار صوفیه بود و نوشته‌های صوفیه نیز معمولاً به چهارصورت دیده می‌شد: ۱- کتاب‌های مربوط به طریقت که در این مورد جز کشف المحجوب نمونه دیگری در دست نیست؛ ۲- ملفوظات؛ ۳- مکتوبات؛ ۴- تذکره‌ها و کتب مناقب. (علاء سجزی، ۱۳۹۰: یازده)

۱۱-۲-۲- ویژگی‌های فکری

در این اثر که جنبه آموزشی دارد، عزیزالدین نسفی با استفاده از روش پرسش و پاسخ به شرح موضوعات یادشده در اصلها با استفاده از اصطلاحات عرفانی مختلفی چون عالم اجمال و تفصیل، کشف و عیان، جوهر اول، واجب و ممکن، انسان کامل و مکمل، نفس ناطقه، مطمئنه و قدسی، شریعت، طریقت و حقیقت، مبتدی و منتهی و ... پرداخته است. ضمناً نسفی از آیات و روایات بسیاری به صورت‌های بلاغی و ادبی، استناد و استشهاد بهره برده و حتی گاهی تفسیر خاص خود او درباره برخی آیات و احادیث نیز در این کتاب آمده است؛ مثلاً می‌گوید: «چون این مقدمات معلوم‌کردی، اکنون بدان که این سالک می‌گوید که این عین واحد که عین عالم است، خدای خلق است و صورتها و اعراض این عین واحد خلق خدایند و خلق خدای هر زمانی آنچه موجودند، معدوم می‌گردند و مثل آن موجود می‌شوند؛ این است معنی (بَلِّغْهُمْ فِي لَيْسَ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ)». (نسفی، ۱۹۹۴ق: برگه ۴) یا در تفسیر شخصی خود درباره آیه ۳۰ سوره انبیاء با ارتباط دادن به آیات دیگر می‌گوید: «یعنی روح عالم با جسم عالم و جسم عالم با روح عالم در مبدأ همچنان بودند که صفات انسان در نطفه انسان؛ اینست معنی (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا). چون از یکدیگر ممتاز شدند، روح را ماء نام نهادند؛ اینست معنی (و

جعلنا من الماء كل شيء حي). و جسم را اُم نام کردند که ام مقلوب ماء است؛ این است معنی (يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب). تا مادام که روح و جسم با هم آمیخته بودند و از یکدیگر ممتاز نبودند، به مثابت دوات بودند و چون بشکافتند و از یکدیگر ممتاز شدند، به مثابت قلم شدند؛ این است معنی (نون والقلم و ما يسطرون). (همان: برگه ۱۰ و ۱۱). موضوع دیگر، کاربرد سخنان برخی مشایخ صوفیه و بزرگان همچون «لیس فی جبتی سوی الله»، «انالحق» و «سبحانی ما اعظم شأنی» در این اثر است. ضمناً این نسخه با توجه به وجود داستان مشهور فیل و کوران در آن، نیز دارای اهمیت است که در بخش ویژگی‌های ادبی به آن پرداخته شده است.

۱۲-۲-۲- ویژگی‌های ادبی

نوع نثر کتاب، نثر مرسل است و کاربرد آرایه‌های لفظی و معنوی همچون جناس، تلمیح، تشبیه، سجع، مراعات النظیر، تضاد، تمثیل و ... از ویژگی‌های ادبی این اثر است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- جناس

۱-۱- زاید

هرکه در بند است، بنده آن چیز است. (حسینی بخاری، ۸۹۴ ق: برگه ۶۵)

۱-۲- اشتقاق

و از عالم حس و محسوس به عالم عقل و معقول برآید. (همان: برگه ۴۷)

۲- تضاد

یکی صامت و یکی ناطق و یکی جاهل و یکی عالم و یکی در رنج و یکی در راحت. (همان:

برگه ۴۲)

۳- تلمیح

اول چیزی که خدای تعالی بیافرید عقل بود و دیگر فرموده اند که اول چیزی که خدای تعالی بیافرید، نور بود و دیگر فرموده اند که اول چیزی که خدای تعالی بیافرید، قلم بود. (همان: برگه ۸)

در این عبارت به سه حدیث «اول ما خلق الله العقل» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۹۰)، «اول ما خلق الله نوری» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۶۶۴) و «اول ما خلق الله القلم» (همان، ج ۵۷: ۳۰۹) اشاره دارد.

۴- تشبیه

دل بمنابث خانقاه است و وارد بمنابث مسافر است و اهل صحبت هر یک بمنابث خادمانند.

(حسینی بخاری، ۸۹۴ ق: برگه ۶۴)

۵- مراعات نظیر

ما حرفت صیقل بیاموزیم و آینه دل خود را بمصقل مجاهدات و روغن ذکر، پاک و صافی گردانیم تا شفاف و عکس پذیر گردد. (همان: برگه ۵۵)

۶- سجع

۶-۱- متوازی

عاقلترین آدمیان تارکان دنیاند و احمق ترین آدمیان طالبان دنیاند. (همان: برگه ۶۸)

۶-۲- مطرف

فرمان ایشان را عزیز دارد و صحبت ایشان را غنیمت شمارد. (همان: برگه ۶۰)

۷- تمثیل

پیش تر گفته شد که داستان مشهور فیل و کوران نیز در این اثر آمده است. نویسنده برای بیان حالات مختلف اولیا از این مثل سود می‌برد و می‌گوید: «و تا سالک برین هر شش مقام اطلاع نیابد، صلاح و فساد هر یک نبیند، نه به طریق تقلید و گمان، به طریق کشف و عیان به نهایت سلوک نرسد و از غایت سلوک باخبر نگردد و باطل از حق بازنداند و خدای را نشناسد و این سخن تو را جز به مثالی معلوم نشود. حکایت: یا عزیز، شهری بود و اهل آن شهر نابینا بودند و حکایت پیل شنیده بودند و می‌خواستند که پیل را مشاهده کنند و در آن آرزو می‌بودند. ناگاه روزی کاروان به آن شهر رسید و بر در آن شهر فرود آمدند و در آن کاروان پیلی بود. اهل آن شهر شنیدند که پیل آورده‌اند. آنها که دانایان و عاقل‌ترین ایشان بودند، گفتند که بیرون رویم و پیل را مشاهده کنیم...». (همان: برگه ۱۳) داستان مشهوری که در بسیاری متون ادبی و عرفانی به آن پرداخته شده است. مشهورترین و گزیده‌ترین روایت این تمثیل مربوط است به مولانا جلال الدین بلخی که در دفتر سوم مثنوی با عنوان «اختلاف کردن در چگونگی شکل پیل» آمده است. مرحوم فروزانفر درباره مآخذ این تمثیل به روایت‌های ابوحیان توحیدی در المقابسات، غزالی در احیاءالعلوم و کیمیای سعادت و عجایب نامه محمد بن محمود توسی و نهایتاً حدیقه سنایی اشاره کرده‌اند. (فروزانفر، ۱۳۷۰: ۹۶-۹۸)

۱۳-۲-۲- ویژگی‌های زبانی

در این کتاب نشانه‌های زبانی و سبکی دوره‌های قبل فارسی، مشهود است و اختصار و ایجاز، و

البته کاربرد الفاظ عربی و برخی الفاظ خاص مانند درخت لفاع، درخت واق، خراطین، بوزینه، نسناس، بیروح، سرانندیب و همچنین بسامد بالای کاربرد اصطلاحات عرفانی و کلامی و اعلام قرآنی و احادیث و آیات و حذف فعل، تعدد فعل های اصلی و فرعی، مطابقت صفت و موصوف، تکرار حرف ربط و ... همچون کرامت و معجزه، عین واحد، نبی و ولی، حلول و اتحاد، حادث، عرش، غیب و شهادت، عالم علوی و سفلی، عزلت و صحبت، و جمعیت و فراغت و ... از ویژگی های زبانی این کتاب است. از بارزترین ویژگی های زبانی و نحوی کتاب سراج الهدایه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- جمله بندی

۱-۱- تقدم فعل

ولی نیست الا انسان دانا. (حسینی بخاری، ۸۹۴ ق: برگه ۳۰)

۱-۲- کاربرد جمله معترضه پس از فعل و پایان جمله:

یا مظهر نور خدایند جل اسمه. (همان: برگه ۲۷)

۱-۳- تعدد مسندها

خدای تعالی عالم بالذات و مرید بالذات و قادر بالذات و سمیع بالذات و بصیر بالذات و متکلم بالذات و آمر بالذات باشد. (همان: برگه ۳۹)

۲- افعال

۲-۱- حذف فعل به قرینه لفظی

وقت آدم، ابلیس و وقت ابراهیم، نمرود و وقت موسی، فرعون و وقت عیسی دجال و وقت محمد، ابوجهل و وقت علی، معاویه و وقت حسین، یزید بود. (همان: برگه ۵)

۲-۲- حذف فعل بدون قرینه (معنوی)

تقوی هرکه زیاده، وی گرامی تر بنزدیک خدای تعالی. (همان: برگه ۶۷)

۲-۳- فاصله انداختن بین اجزاء فعل مرکب

و فرمان برداری نیکان کنند، نیک باشند و اگر با بدان صحبت دارند و فرمان برداری بدان کنند. (همان: برگه ۲۹)

۲-۴- کاربرد مصدر مرخم به جای مصدر

و بگفت همچون خودی مغرور شود. (همان: برگه ۴۹)

۲-۵- استفاده از «ی» فعل استمراری

عادل، مستحق ثواب و محمدمت نشدی و ظالم مستحق عذاب و مذمت نگشتی. (همان:

برگه ۴)

۲-۶- استفاده از مصدر به جای فعل

تا سخن یکدیگر را قبول توانند کردن. (همان: برگه ۶۴)

۲-۷- تعدد فعل

سالک بخدای شنود و بخدای بیند و بخدای گوید، تا این مقام که خدای گوید و خدای

شنود و خدای بیند و کند. (همان: برگه ۳۹)

۳- حروف

۳-۱- حروف اضافه

پرکاربردترین حروف اضافه استفاده شده در این کتاب، به، با، از، و در است که شواهد

آنها فراوان است. ولی یکی از ترکیباتی که نویسنده با حرف اضافه «از» ساخته و به کار برده، ترکیب

از اینچا به معنی به این دلیل است:

و از اینچاست که همه عاقلان و دانایان از دم آخر ترسیده‌اند. (همان: برگه ۴۹)

۳-۲- حروف ربط

۳-۲-۱- تکرار حرف ربط «که»

بعضی ازین طایفه می‌گویند که از حساب سالک اولست که معاد جایی را گویند که یک

نوبت در انجا بوده باشند. (همان: برگه ۵۰)

۳-۳- قید

استفاده از قید هرآینه برای تأکید:

تخم جو هرآینه جو خواهد بارآورد. (همان: برگه ۳۷)

۳-۴- استفاده از ادات تأکید مفعول(مر)

پس درخت جو نتواند گفتن مر مزارع را. (همان: برگه ۳۸)

۴- کاربرد کلمات و ترکیبات عربی

کتاب سراج الهدایه کتابی آموزشی و تربیتی است که مطالب آن نشان می‌دهد نویسنده به زبان عربی مسلط بوده است؛ زیرا بسامد کلمات عربی این کتاب بسیار بالاست و عبارتها و کلمات عربی صورت متغیر، ابعاد ثلاثه، اشکال ثلاثه، انسان مکمل، انسان کامل، صورت ثابت، مطلق و مقید، مفر و منکر، متقدم، ظهور، اتصال، عالم تفصیل، کشف و عیان، طبایع اربعه، لطیف و الطف، ازمنه اربعه، قرب و بعد، طریقت و حقیقت و شریعت و... در این کتاب به کار رفته‌اند. همچنین در این باره می‌توان به موارد خاص زیر اشاره کرد:

- ۴-۱- کاربرد کلمات "لابد" و "مالابد" به معنی ضروری که البته کاربرد آنچه با "مالابد" ایجاد نوعی حشو کرده؛ چون "ما" در ابتدای "مالابد" به معنی آنچه است: آنچه ما لابد ایشانست و آنچه لابد فرزند اوست. (همان: برگه ۴۸)
- ۴-۲- رعایت مطابقت صفت و موصوف در مذکر و مؤنث بودن: متقی آنست که از صفات ذمیمه و اخلاق ناپسندیده متخلق و موصوف پاک شود و مغفور آنست که بصفات حمیده و اخلاق پسندیده موصوف و متخلق گردد. (همان: برگه ۶۶)

۵- رسم الخط کتاب

- ۵-۱- حرف اضافه «ب» اغلب به اسم بعد از خود، متصل است: از مشرق بمغرب و از مغرب بمشرق روند و ایشان بتفاوت‌اند. (همان: برگه ۲۷)
- ۵-۲- برای منفی کردن جمله، به جای آوردن «ن» بر سر افعال از واژه نه استفاده شده است؛ مثلاً نه است به جای نیست. در شاهد مثال ذیل: بداند که نه ولیست. (همان: برگه ۳۶)

- ۵-۳- چنانک و همچنانک به صورت چنانکه و همچنانکه و بدانکه به صورت بدانک هم آمده است: اکنون بدانک خدای تعالی می‌داند که از کلیات و جزویات چه آید. (همان: برگه ۷۱). همچنانک خدای تعالی امر کرد بنماز کردن. (همان)

- ۵-۴- «ت» در برخی کلمات به صورت «ة» آمده است: پس انبیا ایشانرا از آله مقید بآله مطلق می‌خواندند. (همان: برگه ۸)
- ۵-۵- رای نشانه مفعول هم جدا و هم متصل آمده است: سالک خدایرا و عالم را بقدر ان مقام و ان وقت می‌شناسد. (همان: برگه ۵)

۵-۶- می استمراری به دو صورت جدا و متصل آمده است:

این سالک میگوید که چون باین مقام رسید که خود را نمی‌بیند و همه نور می‌بیند. (همان: برگه ۹)

۵-۷- فعل «است» بیشتر به کلمه قبل خود متصل نوشته شده، گرچه جدا هم آمده است:

قوام انسان بویست و ان حقیقت انسانست و صورت مقداری انسان ابعاد و اشکال انسانست. (همان: برگه ۲۴)

۵-۸- برخی کلمات بدون «ه» آمده است:

در فتنها افتاده‌اند و هرکه در عزلت باشد، ازین فتنها در امان باشد. (همان: برگه ۶۳)

۵-۹- جزء پیشین «ب» هم متصل به فعل مضارع التزامی و هم جدا از آن به صورت به آمده است: پیل را چنانک پیلست، به‌بیند و بدانند. (همان: برگه ۱۶)

۵-۱۰- گاهی «ن» نفی آغاز فعل‌ها به صورت جدا(نه) آمده است:

نه پرستید الا خدایرا. (همان: برگه ۸)

۵-۱۱- نمازگزار، به صورت نمازگذار آمده است:

- نمازگذاردن فعل نمازگذارست و نمازگذار موجد افعال خودست. (همان: برگه ۳۶)

۵-۱۲- گاهی فعل ربطی «ای» یا پی‌بند «ای» به صورت «ه» آمده است: مگر تو هرگز در

خواب نرفته و در خواب خود را پادشاه و حاکم و یا اسیر و محکوم ندیده؟ وقتها ان چندان فرح و ذوق را مشاهده نکرده؟ معشوق و محبوب را در کنار خود نیافته؟ وقتها چندان خوف و حزن را ندیده؟ و خود را در دست دشمن عاجز و گرفتار نیافته؟ (همان: برگه ۴۲)

۵-۱۳- ترکیب به آن چیز هم متصل آمده است:

امکان ندارد که دانش وی بآنچیز از آنچه هست، بگردد و دیگرگون شود. (همان: برگه ۵۳)

۵-۱۴- کاربرد کلمه «به آمد» به جای خیر: و شاید که به آمد وی در مرض باشد. پس

چون به آمد معلوم نیست که کدام طرف است. (همان: برگه ۶۹)

۵-۱۵- کاربرد عبارت بنزدیک به معنی در نظر / نزد:

تقوی هر که زیاده، وی گرامی تر بنزدیک خدای تعالی. (همان: برگه ۶۷)

۳- نتیجه

نسخه خطی معرفی شده در این نوشتار، که به سبب مقدمه نادرست آن به اشتباه با عنوان سراج الهدایه سیدجلال الدین حسین حسینی بخاری ثبت شده است، با توجه به شباهت کامل مطالب آن با دیگر آثار عزیزالدین نسفی مانند کشف الحقایق، انسان الکامل، بیان التنزیل و زبده الحقایق معلوم شد که یکی از آثار عزیزالدین نسفی است؛ همچنین با ملاحظه شواهد ارائه شده از هرمان لندلت و لوید ریجون، همچون نگارش شش اصل آن در ولایت ماوراءالنهر در شهر نسف و اینکه اصل‌های ۱۲ و ۱۳ را بعد از وی برادر او خواهد نوشت؛ و شباهت عنوان فصل‌های دوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم، بی‌تردید می‌تون گفت که این اثر نسخه‌ای از «التنزیل» «عزیزالدین نسفی» است که در بیست اصل درباره مسائل مهم عرفانی نگاشته شده است. نشر کتاب، نثری مرسل، به همراه کاربرد برخی واژگان خاص مانند درخت لفاح، درخت واق، خراطین، طلح، نسناس، بیروح سراندیب و اصطلاحات عرفانی همچون کرامت و معجزه، تجلی، عین واحد، نبی و ولی، کشف و عیان، حلول و اتحاد، صورت متغیر و ثابت، انسان کامل و مکمل، غیب و شهادت، عالم علوی و سفلی، شریعت، طریقت و حقیقت، وصل و فصل، سماع، صحبت و عزلت، رضا و تسلیم و ... است. کتاب به لحاظ رسم الخط نیز با توجه به زمان خود ویژگی‌های خاص خود را دارد. همچنین نسفی از آیات و احادیث بسیاری به صورت‌های مختلف بلاغی و ادبی و به ویژه استناد و استشهاد استفاده کرده است. بیان تفسیر خاص درباره برخی آیات نیز از دیگر ویژگی‌های مهم این اثر است. ویژگی دیگر نقل برخی سخنان بزرگان تصوف، همچون عبارت‌های «لیس فی جبتی سوی الله»، «انا الحق»، «سبحانی ما اعظم شأنی» و ... در کتاب است که بیشتر به صورت شاهد مثال به کار رفته اند. ضمناً این نسخه از منابع نویافته‌ای است که داستان مشهور فیل و کوران، که در آثار سنایی، عطار، مولوی و ... آمده است، در آن دیده می‌شود.

۴- منابع

- قرآن

۱. اشرف، وجیه الدین، بحر زخار، تصحیح و تدوین: آذرمیدخت صفوی، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی دانشگاه اسلامی علیگره، با همکاری مرکز تحقیقات فارسی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
۲. الامام، سیدمطیع، شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نثر متصوفانه فارسی، اسلام آباد- پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۲.
۳. بخاری، باقر بن عثمان، جواهر الاولیا، تصحیح و تحشیه و مقدمه: غلام سرور، اسلام آباد، ۱۳۵۵.
۴. حسینی بخاری، سیدجلال‌الدین حسین، خلاصه‌الفاظ جامع‌العلوم، تصحیح و مقدمه: غلام سرور، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۱.
۵. حسین، دهلی، ۱۹۸۳، سراج‌الهدایه، تصحیح: قاضی سجاد حسین، دهلی، ۱۹۸۳.
۶. الحسینی، عبدالحی بن فخرالدین، نزهه‌الخواطر و بهجه‌المسامع و النواظر، جزء اول، چاپ اول، بیروت، لبنان: دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق.
۷. ریجون، لوید وینسنت جان. عزیز نسفی، ترجمه: مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۸. رئیسی، احسان، تصحیح مجموعه رسائل عزیزین محمد نسفی، پایان نامه دکتري رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲.
۹. صالحی، محمدعلی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، زیر نظر محمود مرعشی نجفی، ج ۴۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۱.

۱۰. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۱۱. ظهورالدین احمد، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ترجمه، تحشیه و تدوین فهرست‌ها: شاهد چوهدری، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۲. علاءسجزی، امیرحسین، فوائدالفؤاد، ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء، تصحیح و توضیحات: توفیق سبحانی، چاپ اول، تهران: مؤسسات انتشارات عرفان، ۱۳۹۰.
۱۳. غزالی، ابوحامد محمد، ترجمه احیاء علوم الدین، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۶.
۱۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان، مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۱۵. کاشانی، عزالدین محمود، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، تصحیح: استاد جلال الدین همایی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۶.
۱۶. لندلت، هرمان، «پلی بین مردم‌شناسی و عرفان (گفت و گو با هرمان لندلت)»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۳، ۱۹-۲۴، ۱۳۸۲.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸ و ۵۷، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۳.
۱۸. نسفی، عزیزالدین، التنزیل (نسخه خطی)، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی، ۱۹۴۴ق.
۱۹. نسفی، عزیزالدین، کشف الحقائق، به کوشش احمد مهدوی دامغانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۲۰. نسفی، عزیزالدین، زبده الحقایق، تصحیح، مقدمه و تعلیقات: حق وردی ناصری، تهران: طهوری، چاپ دوم، ۱۳۸۱.